

نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۴
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۳/۱

طاہره نصر** - حمید ماجدی***

چکیده

یکی از موضوعات و مفاهیم مورد توجه بشر، موضوع هویت است و فعالیت‌های انسان در جهت احراز و یا معرفی هویت و مکان و مقامی است که آرمان‌های منبعث از جهان‌بینی او برایش تعیین می‌کند. لذا توجه به باطن و معنای اشیاء و اعمال می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده فرد و اجتماع و شهر ایفای نقش نماید. هویت، حلقه اتصال زنجیر باورها و عقاید است. هویت هر فرد معنای گذشته و حال اوست. در سیمای شهری نیز هویت قابل تأمل است. در شهرسازی امروز کشور، شکل شهر با مسائل مهمی مواجه است که در این بین عدم توجه به جنبه‌های کیفی شهر، عدم توجه به ویژگی‌های شهرسازی سنتی و عدم وجود رویکرد مناسب به گسترش‌های سریع شهری قابل توجه است. هویت موضوعی است که تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و سیمای شهر معاصر را موجب گشته است. آنچه مسلم است در تمامی تغییر و تحولات شهرسازی ایران در طول زمان وجه مشترکی بنام زیبایی و تناسب کلی شهری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت اگر فضای شهری ایرانی واجد هویت بوده است و این هویت در فرهنگ، محیط، کالبد و معنا خود را می‌نمایاند، در فضای شهری امروز چنین نیست. توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان‌دهنده همدلی با آن است و سیمای شهرهای بی‌هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروز است. زبان معماری ایران در این دوره زبانی کثرت‌گراست که در آن فردیت گرایی و خودمحوری وجه غالب است. می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی، شناخت نیازهای جامعه انسانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی جامعه به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر معاصر اندیشید. در این مقاله، معانی واژه هویت، مفهوم هویت شهری و در واقع مفهوم هویت در شهرسازی مورد بررسی قرار می‌گیرد و علل تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و شهر معاصر از این دیدگاه بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت، شهرسازی، سنت، معماری شهری، هویت شهری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری طاہره نصر با عنوان «تبیین مولفه‌های هویت کالبدی شهر ایرانی» است که به راهنمایی دکتر حمید ماجدی و مشاوره دکتر محمد نقی زاده و دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

** دکترای تخصصی شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: soha_nasr@yahoo.com

*** دانشیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. وقتی سخن از هویت شهر می‌رود، تمایز شهرها از هم مطرح می‌شود. آنچه قابل تأمل است وجوه اشتراک و تمایز شهرها باهم است. صفات هویتی شهر بر صفات هویتی طبیعی و مصنوعی و انسانی شهر مستقر است. لذا آنچه به عنوان تصویر (Image) در ذهن مردم متصور است ناشی از سازمان فضایی شهر است. عدم شناخت و درک ساختار و استخوان‌بندی شهرها، سازمان فضایی شهرها و عدم تلاش برای حفظ و احیاء آن‌ها موجب بروز لطمات فراوان به ارزش‌های نهفته در شهرها و الگوهای شهرسازی سنتی ایران شده است.

شناخت هویت و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در شکل شهر، مقدمه‌ای است برای شناخت مدیران، برنامه‌ریزان شهری، تصمیم‌گیران و هر آن کس که در ساخت شهر نقش دارد تا شهری ساخته شود که صفات هویتی آن مطلوب و پاسخگو باشد. بنابراین، مقاله حاضر نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی دارد. با این ضرورت که از نظر کاربردی و علمی به مقوله هویت پرداخته شود.

۱. طرح مسأله

- ۱- بی‌توجهی به هویت شهرها به ویژه شهرهای کهن چه عواقبی را در بر داشته است.
- ۲- مفهوم «هویت» در شهرسازی معاصر چیست؟
- ۳- دلایل عدم تحقق شکل مناسب برای شهرسازی معاصر چیست؟
- ۴- با توجه به شرایط کنونی چه روشی می‌تواند برای ساماندهی و توسعه شهرها دارای حداکثر کارایی باشد.
- ۵- چگونه می‌توان مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت در شهرسازی را به کار گرفت؟

بنابراین اهداف مقاله عبارت‌اند از:

- ۱- تبیین نقش و جایگاه «هویت» و «معنا» در «شکل» شهر ایرانی
 - ۲- شناخت مؤلفه‌های موثر در شکل‌گیری هویت شهر ایرانی
 - ۳- ارزیابی معیارهای هویت‌بخش به شکل شهر ایرانی
 - ۴- بررسی عوامل موثر بر عدم درک مفهوم هویت در شهر امروز (با تأکید بر نمای شهری)
- روشی که در این پژوهش به کار گرفته خواهد شد با توجه به کنکاش در شکل شهر ایرانی به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی است.

۲. تعاریف پایه

در هیچ یک از هنرهای سنتی، هیچ چیز از معنا (به مفهوم روحانیت و معنویت) تهی نیست. این بدان دلیل است که اصولاً تفکر سنتی برای هر شیء ظاهر و باطن قائل است و حتی انسان را نیز به صراحت مشتمل بر این دو قلمرو می‌داند. هر اثر هنری علاوه بر عملکرد ظاهری خویش واجد ساحتی معنوی و روحانی نیز است. هویت و کیستی چیست؟ اقبال لاهوری می‌گوید: هویت گوهری است که من با آن منم و زنده‌ام. تعاریف گوناگونی از مفهوم هویت ارائه شده است:

در فرهنگ علوم انسانی: هویت، کیستی، همانی، همانستی؛ هویت فردی، فردیت. در فرهنگ عرفانی: هویت، ذات مطلق را گویند. وجود هرگاه به طور مطلق اعتبار شود، نه به شرط شیء و نه به شرط لاشیء، هویت ساریه است. آنچه را شیئیت شیء به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند و به اعتبار تشخیص، هویت گویند و با قطع نظر از هر یک، ماهیت گویند. ملاصدرا نیز در کتاب اسفار معتقد است مراد از هویت ساریه وجود منبسط و فیض مقدس و نفس رحمانی است.

در فرهنگ منطق: هویت، ماهیت متشخص متعین جزئی که در خارج موجود است. در فرهنگ معین: هویت عبارت است از حقیقت جزئی، یعنی هرگاه ماهیت با مشخص لحاظ و اعتبار شود و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه با لذات و گاه بالعرض است.

بنابراین می‌توان اذعان داشت، هویت از دیدگاهی، همراه با طبیعت و ماهیت آشکار می‌شود. ماهیت، آنچه شیء بودن شیء به آن است، هنگامی که تشخیص می‌یابد و خود را از شیء بودن دیگر گونه متمایز می‌کند، به سخن دیگر خود بودن خود را تعیین می‌کند، جایی برای هویت آماده می‌کند (Rahimzadeh, 1999, p. 265). نظر ملاصدرا در مورد مفهوم هویت چنین است: هویت هر موجودی عبارت از نحوه خاص وجود است. در انسان، هویت واحده است که متشأن به شئون مختلف می‌شود و مراد او نفس است که موجب حفظ وحدت است. از این رو افراد انسانی را مشخصاتی است که به واسطه آن‌ها، هر یک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر شخصیت در آن‌ها باقی است و به آن هویت می‌گویند.

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد: معادل کلمه هویت (Identity) چنین آورده شده است:

Identity: The face of being what a person or thing is.

هویت، آن حقیقت وجودی است که شخص یا شیء از آن برخوردار است.

Identity: the state of being very like or the same as some body or some thing.

در جدول ۱ مقایسه‌ای تطبیقی در معنی واژه هویت انجام گرفته است. آنچه مسلم است اینکه هر شیء واجد هویتی است و این هویت به صفاتی مترتب است که حاصل عمل آن شیء و معرف ویژگی‌های معنوی آن هویت هستند که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است.

جدول ۱: تعاریف «هویت» در فرهنگ علوم گوناگون

نام فرهنگ	مفهوم هویت
فرهنگ علوم انسانی	چیستی و کیستی
فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی	ذات مطلق
فرهنگ علوم فلسفی و کلامی	مشتق از «هو»، حقیقت جزئی
فرهنگ معارف اسلامی	حقیقت مطلقه مشتمل بر حقایق
فرهنگ اصطلاحات منطقی	ماهیت متشخص متعین جزئی که در خارج موجود است
فرهنگ المنجد عربی	«او» بودن
لغتنامه دهخدا	تشخیص

(Nasr, 2013, p. 20)

۳. هویت در جامعه مدنی

پرسش هویت در جامعه مدنی، پرسش چگونه «خود» ماندن است، نه چگونه «همان» ماندن؛ بنابراین اثر هنری در پی آشکار کردن ماهیت خود است نه در پی یافتن الگویی برای تکثیر. بی‌گمان هر اثر هنری در وضعی یکسر نوین پدیدار می‌شود، بیان درست ماهیت اثر، تشخیص لازم را در پی خواهد داشت.

از نگاهی جامعه‌شناسانه نیز هویت انسان در جوامع سنتی تعیین شدنی و مبتنی بر تاریخ گذشته است. این گذشته است که بر امروز حکم می‌راند و در تداوم منطقی و قابل فهم گذشته اکنون و آینده پدید می‌آیند. در حقیقت مفهوم هویت مستقل از تجربه‌های فردی و جمعی شکل می‌گیرد.

هویت و ماهیت اثر از آن یکدیگرند. بنابراین سخن گفتن از هویت آنچه ماهیتی ندارد، بی‌معناست. آنچه ماهیتی ندارد چیزی است که شیئیت نیافته و نمی‌تواند همزمان با آشکار کردن خود جهان خود را نیز آشکار کند. اثر هنری تا هنگامی که به سان اثر هنری ادراک نمی‌شود و حقیقتی را از جهان خود نمی‌گشاید نمی‌تواند هویتی داشته باشد. هویت یک اثر هنری از آن کل اثر است. نباید فراموش کرد که این کل زمان را نیز دربر می‌گیرد. اثر هنری همچون هر موجودی، در زمان زندگی میکند و دگرگون می‌شود و هویتش در زمانی که بر آن می‌گذرد آشکار می‌شود (Rahimzadeh, 1999, p. 265).

۴. ویژگی‌های هویتی فضاهای شهرهای ایرانی

هر فضایی با شدت و ضعف متفاوت واجد هویت است و هویت نهایی فضا، برآیند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی آن است. به این ترتیب امکان تمیز فضای شهری ایرانی از فضاهای شهری سایر تمدن‌ها با مشخص شدن ویژگی‌های هویتی هر فضا مقدور می‌گردد.

فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناسی این کالبد، واجد معنا و یا معانی ای نیز است که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می‌توان برای هر فضا تعریف کرد که با استناد به مجموعه این‌ها تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) امکان‌پذیر می‌گردد (Naghizadeh, 2007, p. 190). هر آینه نیک بنگریم، انقلاب مشروطیت ایران را سرآغاز دورانی نو خواهیم یافت، سرآغاز متکی شدن همگانی به قانون یا به یکسان‌سازی مرتبط‌های قرار داده‌شده و به تعیین و تفکیک منزلت‌هایی که، همانند آنچه در تمامی جوامع سازمان‌یافته روی می‌دهد، دارای وظیفه‌ها و مسؤولیت‌های خاص می‌شود. شهرسازی و معماری معاصر ایران، علی‌رغم کوشش‌هایی که برخی از معماران به شیوه‌ای دلسوزانه و از طریق اهتمام‌هایی ساده‌اندیش در دوران معاصر برای اعتلایش کردند، نه به درستی مدیریت شده و نه از

امکانات رشد و تطوری آزادانه برخوردار بوده است. چندان که تدوین گزارشی که بتواند به کم و کیف معانی و مفاهیم ملحوظ در آن بپردازد، امری بسیار دشوار می‌نماید و هر روزه نقدهای بسیاری بر این امر صورت می‌پذیرد (Falamaki, 1994, p. 13). هنگامی که از هویت شهر سخن گفته می‌شود، از چیزی صحبت می‌شود که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است.

زمانی شهر به شکل مطلوب خود می‌رسد و در واقع واجد هویت می‌گردد که واجد سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی مناسب و عملکرد صحیح باشد. از این عناصر نیز عنصر معنا رابطه‌ای نزدیک با مقوله هویت دارد.

قابل ذکر است که توسعه شهرهای ایران در گذشته در محدوده قواعد نسبتاً ثابت و منسجم واقع می‌شده و همین امر هویت شهری را موجب می‌شده است. این مورد نیز قابل اشاره است که شهرسازی سنتی ایرانی به چهار عامل زمان، مکان، فرهنگ و معنا بستگی داشته است. این عوامل ثابت نبوده‌اند و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییر می‌کرده‌اند. از این رو می‌توان هویت شهری را در وحدت شکلی، هم‌آوایی شکل شهر با محیط طبیعی و بوم، پیوند واحدهای مسکونی و عناصر شهری، رعایت اصول و ملاحظات هنری و زیباشناسانه، رعایت عرصه‌ها و سلسله‌مراتب، نام برد.

در شهرهای امروز کشور شکل شناسی شهری با ۳ مسأله مهم مواجه است:

- * عدم توجه به جنبه‌های کیفی شکل شهر در حمایت از توقعات روانی انسان از فضا
- * بی‌توجهی به ویژگی‌های شکلی شهرسازی سنتی در ایران
- * نبود رویکرد جامع نسبت به شکل شهرهای جدید و ساخت‌وسازهای جدید و گسترش‌های سریع و روزافزون (Habib, 2006, p. 5)

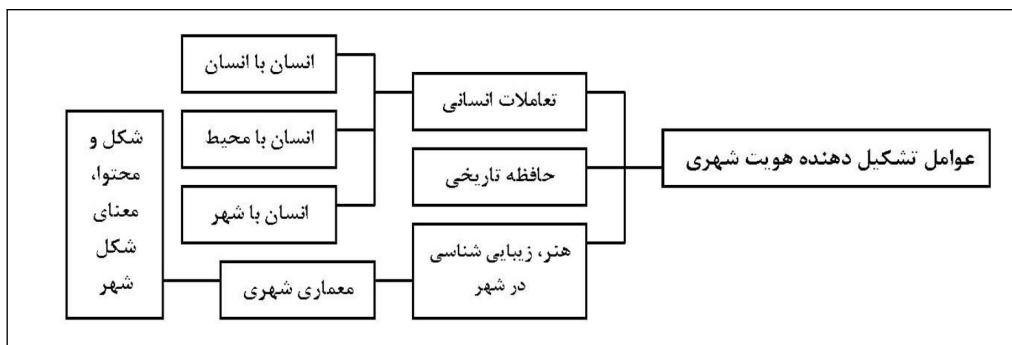
به بیانی دیگر می‌توان گفت اگر فضای شهری ایرانی واجد هویت بوده است و این هویت در فرهنگ، محیط، کالبد و معنا خود را می‌نمایاند، در فضای شهری امروز چنین نیست. زیرا:

- اگر در فضای شهر ایرانی مردم احساس این همانی با فضا می‌کردند در واقع فضا را جلوه‌ای از هویت فرهنگی و تمدن خود می‌دانستند. این در حالی است که در فضای شهر معاصر فرهنگ معماری ایرانی دیده نمی‌شود و گونه‌های مختلفی از انواع سبک‌ها را در فضای شهری نظاره گر هستیم که این خود گویای عدم وجود هویت فرهنگی در سیمای شهر معاصر است.
- اگر در فضای شهر قدیم ایرانی پیوند و هماهنگی با اقلیم و محیط طبیعی بوده است و این خود به استفاده از مصالح بوم آورد منجر می‌شده است، امروزه و در سیمای شهر معاصر همه چیز فدای تجددگرایی شده است. به گونه‌ای که در سیمای شهر مرطوب شمال کشور منازلی با سقف صاف و نمای فلزی آلومینیومی دیده می‌شود و در جنوب کشور با اقلیم گرم و خشک سقف شیب‌دار سفالی و باز هم نمای فلز آلومینیومی به چشم می‌آید. پس در سیمای شهر معاصر هویت محیطی نادیده انگاشته می‌شود.
- هویت کالبدی نیز که وحدت فرمی و شکلی فضاها در شهر سنتی بوده است، در شهر معاصر به شکل‌هایی ناهمگن و بعضاً غیرمتعارف تبدیل شده است و به تبع آن معنا نیز هویت خود را از دست داده است.

۵. عوامل تشکیل دهنده هویت شهر

ارتباط بین عوامل هویت‌دهنده شهر می‌تواند ارتباطی دو سویه باشد. شهر بدون عامل انسانی مفهوم ندارد. بنابراین زمانی که صحبت از شهر می‌شود صحبت از تعاملات انسانی است. تعاملات انسان با انسان، انسان با محیط و انسان با شهر. به همین دلیل، عوامل تشکیل دهنده هویت شهر، هویت انسان را نیز شکل می‌دهد و یکی از عناصری که انسان با آن تعریف می‌شود، حافظه است. شهر نیز دارای حافظه است. شهر فاقد حافظه تاریخی شهری دارای هویت نیست (نمودار ۱). از عناصر قابل توجهی که می‌تواند به شهر هویت بخشد، هنر است. هنر، بحث زیبایی‌شناسی در شهر است. معماری شهری نیز با آثار هنری که در آن به وجود می‌آید شکل می‌پذیرد. خلق آثاری که با فرهنگ ایرانی مطابقت داشته باشد در سیمای شهر بسیار مهم است. رشد شهرنشینی و توسعه ساخت و سازهای شهری تبعات مختلف و خاص خود را دارد که یکی از مهم‌ترین آن تغییر چهره شهرها در طول ایام و دستخوش تغییر شدن هویت آن‌هاست.

نمودار ۱: عوامل تشکیل دهنده هویت شهری



معماری‌های دیروز ایران، چه آنگاه که حاکمان و ثروتمندان خواستار ساختن آن بوده‌اند و چه قشرهای شهرنشین میانی و برخوردار از توان مالی محدود بانی آن می‌شدند، در حقیقت امر، در تکامل یکدیگر بوده‌اند و می‌توانسته‌اند در تکرار تجارب، زمینه‌های لازم برای گردش اندیشه‌ها و بناها را نیز فراهم کنند. وجود یگانگی و همگنی که در موجودیت‌های معماری فرهیخته و بومی - سنتی دیروز ما به شکلی چشمگیر، مشروط کننده شکل و محتوای معنوی می‌شود، نمایانگر هویت ملی ما است. معماری‌های دیروز، از فضای فرهنگی درونی شهرهای ما نشأت می‌گرفتند و رنگ و طعم سلیقه‌های مردمی داشتند و بر اساس ضابطه‌ها، معیارها و تجارب مدنی آن روزها ساخته می‌شدند. امروزه اما عامل‌ها و مؤلفه‌های دیگر در شهرسازی کشورمان مداخله دارند: عامل‌ها و مؤلفه‌های امروزی تولید فضای ساخته‌شده، بر مبنای ضابطه و مقررات اجرایی خاصی وارد این میدان شده‌اند که، در آن‌ها چگونگی‌های برخاستن و پیوند داشتن با بهره‌وران از فضای ساخته‌شده، یا دیده نشده‌اند و یا به شکل مفروضاتی بحث‌انگیز و نادرست درآمده‌اند (Falamaki, 1994, p. 13).

معماری شهری دهه‌های ۱۳۴۰ به بعد عموماً یا بافت‌های کاملاً تازه‌ای را در اطراف شهر شکل داده، یا بخش‌های قابل توجهی از بافت‌های قدیمی را با الگوهای خود نوسازی کرده است. محصول این ساخت و سازها، چه در بافت‌های جدید و چه در بخش‌های قدیمی شهر است که آماج اعتراض واقع شده است. از طرف دیگر، بی‌هویتی، ناهماهنگی و یکنواختی حاکم بر فضای شهری متأخر، که سال به سال نیز توسعه می‌یابد، این نکته را آشکار می‌گرداند که سیمای شهرهای قدیم هرچند از لحاظ فنی ساختمان‌هایی ساده‌تر و نا مجهزتر از امروز خلق می‌کرده، از حیث سیما و فضای شهری محیطی به مراتب هماهنگ‌تر و معنی‌دارتر از امروز تولید می‌کرده است (Safamanesh, 1993).

۶. مروری اجمالی بر موضوع هویت در شهرهای معاصر

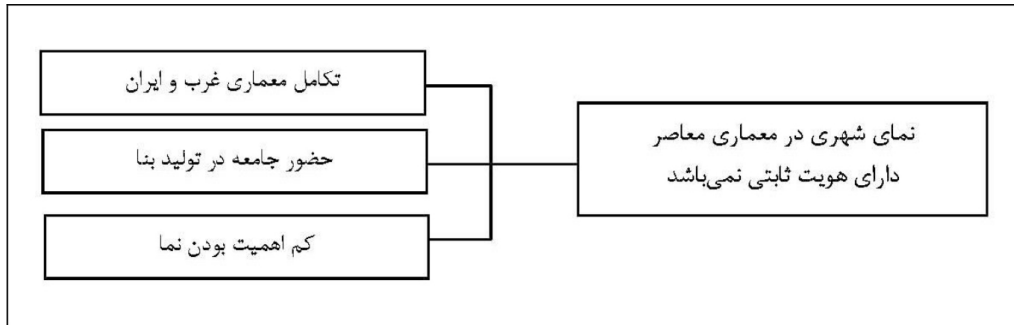
باید توجه کرد که معماری زبانی است که شهر متن آن است. بنابراین باید توجه نمود که آنچه هویت شهری را رقم می‌زند، بنا یا ترکیب بناها نیست، بلکه کل شهر است که هویت شهری را رقم می‌زند. شهرهای ما ارزش‌های سنتی را کنار گذاشته اما وارد دنیای مدرن نشده‌اند. باید رابطه سالمی میان سنت و مدرنیته ایجاد نمود و نباید یکی را به نفع دیگری از میان برد. سنت می‌تواند در تعامل با نوگرایی باشد. یکی از اهداف شهرسازی تعالی بخشیدن به زیستن است. نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و آداب جامعه نیست، بلکه نوگرایی عبارت از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش‌های فرهنگی و بهره‌گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آن‌ها خواهد بود (Naghizadeh, 2000, p. 89).

در مورد تأثیر متقابل «فرهنگ» و «معماری و شهرسازی» دو موضوع قابل ذکر است. از یک طرف ارزش‌های فرهنگی، اشکال و روابط، سازمان فضایی و مرعی داشتن اصول خاصی را به طراح و برنامه‌ریز القا می‌کنند و او را به سمت شکل دادن محیطی خاص هدایت می‌نمایند. از سوی دیگر مختصات محیطی از جمله شکل، رنگ، تناسبات، ارتباط فضا و عناصر با یکدیگر، هویت درجه استقلال، چگونگی تکرار و تقلید، و ارزش‌ها و اصول و رفتارها و عکس‌العمل‌ها را به انسان القا می‌کنند، به نحوی که انسان خود را متعلق به گروهی اجتماعی با فرهنگی خاص قلمداد نماید. به همین دلیل است که یکی از اساسی‌ترین دلایل تقلید و تکرار بی‌چون و چرا و کورکورانه از الگوهای بیگانه را می‌توان بحران هویت جامعه یا به عبارتی جستجوی هویتی جدای از هویت فرهنگ ملی دانست. هویتی که اوج آن در فردگرایی و افتراق خویش از جامعه تجلی می‌یابد و در معماری ابنیه و نیز در سیمای شهری در حد کاملاً بارز و روشنی مشاهده می‌شود (Naghiza-deh, 1999, p. 23).

مطالعات در عرصه‌ها و پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم است تا این شهرها بتوانند همچون فرزند شهرهای گذشته خود به نظر برسند. توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان‌دهنده همدلی با آن است و سیمای شهرهای بی‌هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروز است.

آنچه مسلم است در تمامی این تغییر و تحولات وجه مشترکی بنام زیبایی و تناسب کلی شهری وجود دارد. شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی واقع گردیده، از طرفی این بی‌هویتی در معماری و به تبع آن در نمای معماری خود را بیشتر مشهود می‌نماید (نمودار ۲). نما در معماری امروز تنها به عنوان پوشش نهایی مطرح بوده و نمایشی از هویت نیست (Nasr, 2005, p. 71).

نمودار ۲: علل بی‌توجهی به هویت در نمای شهر معاصر



از طرفی به معماری و شهرسازی کهن افتخار می‌کنیم و آنچه که در جوار آن می‌سازیم هیچ‌گونه ارتباطی با آن نداشته و شکلی بی‌هویت و ساختاری ناهمگون و چهره‌ای غریبه و افسرده دارد. از عوامل نابسامانی شهری، سیمای شهر امروز و به تبع آن عدم وجود هویت در معماری آن به دو عامل زیر می‌توان اشاره نمود:

- * ناسازگاری ساختی الگوی معماری مدرن با سایر الگوهای معماری در سیمای شهر
- * تأثیر ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی در سیمای شهر ایرانی

مسئله وضوح بصری یا خوانایی در سیمای شهری امروز به گونه‌ای نادیده گرفته شده است. در واقع هویت، حلقه گم شده زنجیر در ساخت و سازهای امروزی است، این اصل نادیده گرفته شده موجب شده که چهره معماری و شهرسازی شهرهای اکثر نقاط کشور به گونه‌ای بی‌هویت گردد. تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد دلپذیر تواند بود. شهر نیز مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد برمی‌افزاید؛ با این تفاوت که مقیاسی بزرگ‌تر دارد و تنها با گذشت زمان، شکل و سیمای نهایی خود را می‌یابد. از این رو می‌توان گفت که طرح شهر مانند هنری است که به زمان بستگی دارد. لحظه‌ای می‌رسد که به جستجوی هویت و معنای گذشته‌مان برمی‌خیزیم. چنانچه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع و کارکرد آن‌ها نیز قرار گیرد، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آنگاه می‌توان حتی آثاری را با هویت یافت که مستقل از میراث محیطی فرهنگی مکان آن آثار باشند.

در این ضوابط از هیچ یک از اجزاء تشکیل‌دهنده نماها، نحوه ترکیب‌بندی و ساختار نمای ساختمانی یا حتی مصالح بکار رفته در آن سخن نمی‌رود و محتوای آن‌ها با مقوله‌هایی چون هویت، زیبایی، معنی‌دار بودن، هماهنگی با محیط و غیره کاملاً بیگانه است. دخالت ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی در معماری خود خیابان و عناصر موجود در آن نیز از این هم کمتر است و تنها به تعیین عرض معبر محدود می‌گردد. این نوع ضوابط جز در ارقام و اعداد مربوط به ساختمان که در نهایت تعیین‌کننده تعداد طبقات است به نحوی یکسان و بدون تغییر و تطبیق با ویژگی‌های هر گوشه از شهر در سراسر شهر اعمال می‌گردد، بی‌آنکه به نوع و سبک معماری موجود در هر قسمت از شهر و نیز مورفولوژی هر قسمت از بافت شهری که در دوران خاصی و با سبکی ویژه شکل گرفته توجهی مبذول گردد و کوشش برای هماهنگ کردن ساخت و سازهای جدید با نماهای قدیمی صورت گیرد. به علت بحران اقتصادی و التقاط در معماری معاصر ایران، امکان تدوین الگوی مشخص در نمای معماری معاصر ایران نیست. بدون شک به جهت گستردگی موضوع هنر، خصوصاً هنر معماری و بازتاب آن در شهرسازی، این نوشتار تنها ارائه‌کننده بخش کوچکی از شناخت هنر امروز است. تحلیل و بررسی معماری در سیمای شهر را می‌توان در ابعاد مختلف به صورت زیر بیان نمود (Nasr, 2005, p. 71):

- * بررسی ماهیت فلسفی معماری یک دوره: هدف یافتن عوامل تحول در معماری هر دوره است.
- * بررسی عملکرد معماری یک دوره: شناخت پلانها و روابط داخلی و غیره: هدف مشخص کردن جایگاه معماری نسبت به کارکرد انسانی به عنوان یک زیستگاه است.
- * بررسی تظاهر خارجی معماری: معماری به عنوان عامل اصلی سازنده فضای شهری و سلول اصلی پیدایش سیمای شهری در این موضوع مطرح گردیده و عامل اصلی مورد بررسی در این بخش تنها نمای خارجی و یا تظاهر معماری به عنوان سازنده فضای شهری است.

۷. نما و جایگاه آن در سیمای شهری

نما و جایگاه آن در سیمای شهری از اجزایی تبعیت می‌کند که هر یک در جای خود اهمیت ویژه‌ای دارند. بازدیدکنندگان، نوسازی‌ها و دوباره‌سازی‌ها، شهروندان و سرمایه‌گذاران و سلیقه‌های مردمی تغییر و تحول عمده‌ای در سطح شهر پدید می‌آورند. این تغییرات در سطوح مختلفی ظهور می‌کند:

- در بعد هندسی: طول و عرض و ارتفاع و حجم نما
- در بعد طراحی: بدنه و ریتم و فضاهای باز و بسته
- در بعد هنری: رنگ و تناسبات

آنچه مسلم است در تمامی این تغییر و تحولات وجه مشترکی بنام زیبایی و تناسب کلی شهری وجود دارد. معماری معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی واقع گردیده، از طرفی این بی‌هویتی در نما خود را بیشتر مشهود می‌نماید. نما در معماری امروز تنها به عنوان پوشش نهایی مطرح بوده و نمایشی از هویت نیست (Nasr, 2005, p. 69). در خصوص عدم هویت در نمای معماری شهری، امکان گونه‌بندی واضح و مشخص میسر نمی‌باشد اما می‌توان عوامل تأثیرگذار بر نمای شهری را به شرح زیر بیان نمود:

- عدم تطبیق پلان و نما
- عدم ترکیب‌بندی منطقی بین مصالح
- تبدیل نما به بدنه گرافیکی
- استفاده بیش از حد از مصالح مختلف

هویت شهرسازی در ایران معاصر در جایی و زمانی بیرون از آن نیست که بتوان آن را به سیمای شهر و فضای شهری افزود و بدین سان به شهر هویت بخشید. دشواری معماری معاصر ایران نه در شکل پایان‌یافته آن، که در نشناختن منشأ و هویت اثر معماری در جایگاه معمار در آفرینش اثر است. پرسش هویت شهری که تنها تا هنگامی که خود هویت نهان است پیش می‌آید، همزمان پرسش از هویت شهرساز و معمار و سازندگان و مخاطبان شهر است و بدین ترتیب تنها با آشکار شدن همه آن‌ها می‌تواند پاسخ گفته شود. نمودار ۳، نگاهی به جایگاه هویت در سیمای شهر امروز با تأکید بر نماهای شهری دارد.

نمودار ۳: هویت در سیمای شهر معاصر



۸. نتیجه‌گیری

در تعریف شهر عناصری مهم وجود دارد که در این میان توجه به سیمای شهر، سازمان فضایی، نمادها و نشانه‌های شهری، روابط انسانی و تعاملات اجتماعی بسیار قابل توجه است.

ناهمخوانی فضا با انسان موجب عدم ارتباط یا ضعف ارتباط را فراهم می‌آورد و در صورت تداوم عدم ارتباط مابین فضا و فرد، پدیده بحران هویت عارض می‌شود. مکانی که هویتش با هویت آرمانی اهلس ناسازگار باشد به طوری که شاخصه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی آن برای اهلس و حتی برای دیگران که از بیرون نظاره گر هستند حامل پیام و معنایی متناسب با آنچه که از آن مکان و ساکنان آن انتظار می‌رود نباشد از بحران هویت رنج می‌برد. به گفته لینچ هویت مفهومی نسبی است که یک سر آن به انسان بر می‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود. در سیمای شهر کهن ایرانی هر یک از این عناصر مورد توجه بوده است؛ اما در شهرسازی معاصر متأسفانه چنین نبوده است.

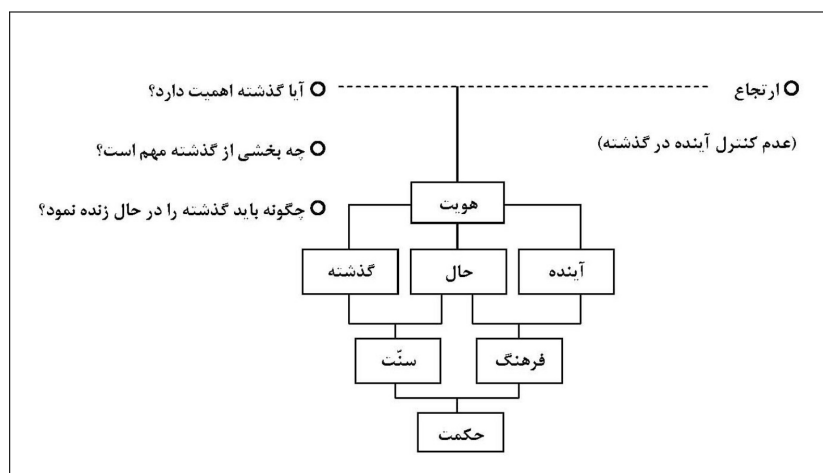
شهرهای ما، ارزش‌های سنتی را کنار گذاشته اما وارد دنیای مدرن نشده است. در گذشته فضای انسانی، حاصل توجه به مقیاس انسانی بود و تداوم عرصه‌ها و بافت‌ها در انسانی تر کردن فضا نقش داشت. مقیاس مطلوب و متناسب محلات، فضایی را به وجود می‌آورد که فرد به راحتی قلمرو آن را در مدت زمانی کوتاه طی کرده و محیطی آشنا را هر روز تجربه می‌نمود، به آن تعلق خاطر می‌یافت و در حفظ آن و احراز هویت برای آن می‌کوشید. در دهه‌های اخیر، با تحولات جدید شهرسازی، محلات به لحاظ کالبدی تخریب و رفته‌رفته اعتبار و ارزش گذشته خود را از دست داده‌اند. در بافت‌های جدید شهری نیز به علت بحران اقتصادی و التقاط در معماری، تدوین الگوی مشخص در سیمای شهری مشکل به نظر می‌رسد. شهرسازی معاصر ایران پیش از آن که به عوامل محتوایی معطوف باشد در تظاهرات فیزیکی و کالبدی خلاصه می‌شود. اما می‌توان به این مورد اندیشید که در صحبت از هویت شهر، فقط ظاهر و شکل شهر تأثیرگذار نیست؛ بلکه وراثت از آن شاکله شهر است، و اولین گام در بررسی هویت شهری اندیشیدن در عواملی است که به هویت شهر معنا می‌بخشد. بنابراین ذکر این نکته ضروری است که **هویت فقط یک صفت نیست و مفهومی بالاتر از آن دارد**. می‌توان عدم تغییر تفکر و فرهنگ مردم را یکی از دلایل اصلی بی‌هویتی شهرهای ایرانی دانست. به این ترتیب علت اصلی بی‌هویتی شهرهای ایرانی، ناهماهنگی کالبد توسعه‌های معاصر است که تقلیدی ناقص از الگوهای بیگانه غربی هستند.

در مواجهه با سیمای شهرهای امروزی، بحرانی است که ناشی از عدم تناسب فضاها با عملکرد جاری در آن‌ها، ترکیب کاربری‌های ناسازگار، یکنواختی و عدم پویایی فضاهای شهری است. بنابراین شهرها سیمایی دارند که در آن‌ها یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم کالبد و معنا در فرهنگ ما قابل مشاهده است و در نتیجه کالبدهایی که مفهوم ندارند.

باید در طراحی شهرها به مردم توجه کرد. بنابراین فضاهایی طراحی شوند که مردم بتوانند در آن‌ها توانایی درک واقعی محیط اطراف، قدرت ستایش، فهم و استفاده از محیط شهری، وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت‌های روزانه، یادآوری تجارب خوب گذشته از فضاهای شهری و نیز تداعی جنبه‌های نمادی، فرهنگی، تاریخی و معنی را تجربه نمایند.

می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی، شناخت نیازهای جامعه انسانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی جامعه به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر امروز اندیشید.

نمودار ۴: ارتباط مفهوم هویت با زمان



References

- Ashouri, D. (1995). *English - Persian Dictionary for Human Sciences*. Tehran: Nashr -e- Markaz.
- Bahreini, H. (2007). *Process of Urban Design*. Tehran: University of Tehran.
- Falamaki, M. (1994). Role of Architecture in Recognition of National Identity of Iran, *Sharif Monthly*, 9.
- Habib, F. (2006). Inquiry within the Meaning of the City, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 25, 5-14.
- Khansari, M. (1997). *A Dictionary of Logical Terms; Enclosed with an English and French Word Index*. Tehran: Institute for Humanities and culture.
- Lynch, K. (1997). *A Theory of Good City Form*. (Hossein Bahreini, Trans.). Tehran: University of Tehran.
- Mo'in, M. (1984). *An Intermediate Persian Dictionary*, Tehran: Amir Kabir.
- Naghizadeh, M. (1999). Identity: Manifestation of Culture in the Environment, *Abadi*, 34 & 35, 17-28.
- Naghizadeh, M. (2000). Identity of "Iranian Architecture" and "Modernism", *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 7, 79-91.
- Naghizadeh, M. (2007). *Perception of Beauty & Identity of City (In The Light Of Islamic Thought)*, Isfahan: Cultural Organization of the Municipality of Isfahan Publishing Co.
- Nasr, T. (2005). A Look on Identification in Architecture, *International Road & Structure Monthly Magazine*, 31, 69-73.
- Nasr, T. (2007). *On Art and Islamic Art*, Shiraz: Navid Shiraz.
- Nasr, T. (2013). *Components of the Physical Identity of Iranian Cities*, (Ph.D) Theses in Urban Planning, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- Rahimzadeh, M. R. (1999). *The Concept of Identity*. Second Congress of the History of Iranian Architecture and Urbanism, Tehran: cultural heritage.
- Safamanesh, K. (1993). Structural Criteria for the Identification and Coordination of Urban Landscape. *Abadi*, 9, 22-25.
- Sajjadi, J. (1992). *A dictionary of Mystical Terms*. Tehran: Tahouri Library.